



فصلنامه علمی پژوهشی
دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت
دوره ۱۳/ شماره ۳ (پیاپی ۵) // پائیز ۱۴۰۳
صفحه ۲۹۷ تا ۳۰۷

تأثیر ماکیاولیسم بر جرائم مالی با نقش میانجی جهت گیری اخلاقی حسابداران

هادی مورخ

دانشجوی دکتری حسابداری، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران
Hadi.Movarekh@yahoo.com

مهدی مران جوری

استادیار گروه حسابداری، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران (نویسنده مسئول)
Mr. Maranjory@gmail.com

رضیه علی خانی

استادیار گروه حسابداری، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران
Alikhani_r2@yahoo.com

محمد رضا پورعلی

دانشیار گروه حسابداری، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران
pourali@iauc.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۷

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر ماکیاولیسم بر جرائم مالی با نقش میانجی جهت‌گیری‌های اخلاقی حسابداران اجرایی شد. در پژوهش حاضر جهت داشتن شانس مساوی تمامی اعضای نمونه از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده به کمک جدول گرجسی و مورگان استفاده شد و تعداد ۳۰۶ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. اطلاعات توسط پرسشنامه‌ها گردآوری و با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که ماکیاولیسم بر جرائم مالی (پولشویی) تأثیر مثبت و معناداری دارد. ماکیاولیسم از طریق جهت‌گیری اخلاقی بر جرائم مالی (پولشویی) تأثیر مثبت و معناداری دارد. همچنین ماکیاولیسم از طریق نسبی‌گرایی بر جرائم مالی (پولشویی) تأثیر مثبت و معناداری دارد.

واژه‌های کلیدی: ماکیاولیسم، جرائم مالی، جهت‌گیری اخلاقی.

۱- مقدمه

تعریف می‌شود. این نظریه اخلاق را یکی از چند محور دانش اجتماعی رو به رشد فرد می‌داند که مبتنی بر ناهمگنی و همزیستی جهت‌گیری‌های اجتماعی، انگیزه‌ها و اهداف اجتماعی مختلف در افراد است. روانشناسی مثبت‌گرا بر توانمندی‌ها و فضایل افراد تأکید دارد و به مطالعه هیجان‌های مثبت، ویژگی‌های شخصیتی، قابلیت‌ها و توانایی‌های بشر مخصوصاً در زمینه‌های بالینی می‌پردازد. هدف آن شناسایی سازه‌ها و شیوهایی است که در نهایت باعث بهزیستی انسان گردد. مفاهیمی چون سلامت ذهن، عواطف مثبت، دوستی، اعتماد، بخشش، حق‌شناسی، هوش معنوی، هوش هیجانی، شادکامی، خودکارآمدی از جمله مفاهیم روانشناسی مثبت‌گرا هستند (مشهدیه قره قیه و همکاران، ۱۳۹۸).

ویژگی رفتاری ماکیاولیسم به معنای بکار بردن روش‌های غیراخلاقی برای رسیدن به هدف است. دروغ‌گویی و گرایش به نیرنگ، فریب‌کاری، کنترل اوضاع به نفع خود، جاه‌طلبی، جعل شخصیت واقعی، تفرقه‌افکنی، تخریب شخصیت افراد، به بردگی گرفتن دیگران، احترام به افراد صاحب ثروت، قدرت و شهرت، تحقیق دیگران، نقش بازی کردن و مطابق میل دیگران رفتار کردن به‌منظور نیل به هدف از جمله ویژگی‌های افراد باشخصیت ماکیاولیسم است (بیگی هرچگانی و همکاران، ۱۳۹۵). مطالعات در گذشته نشان داده‌اند ویژگی‌های شخصیتی می‌تواند بر تمایل افراد به انجام جرائم اقتصادی اثرگذار باشد (صادقیان و همکاران، ۱۳۹۸). با توجه به موارد گفته‌شده بالا، می‌توان گفت که ماکیاولیسم می‌تواند با تمایل افراد به جرائم مالی و اقتصادی از جمله پولشویی نیز رابطه‌ای مستقیم داشته باشد.

با توجه به مطالب فوق پژوهش حاضر در راستای تکمیل پژوهش‌های مربوط به بحث اخلاقیات در حرفه حسابداری اولاً برای نخستین بار به آزمون سطح رفتار ماکیاولی حسابداران بر جرایم مالی (پولشویی) پرداخته می‌شود، ثانیاً با در نظر گرفتن نقش میانجی جهت‌گیری اخلاقی، تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از تحقیق و ارائه راهکارهایی جهت رفع تنگناهای موجود و توسعه رویکردی نوین، گامی به سوی غنای ادبیات موضوع پژوهش در حرفه حسابداری برداشته خواهد شد.

مبانی نظری و پیشینه تجربی پژوهش

در میان نامطلوب‌ترین و آزار دهنده‌ترین شخصیت‌های اجتماعی که روانشناسان مطرح کرده‌اند، سه شخصیت بیشترین توجه تجربی را جلب کرده‌اند که با یکدیگر همبسته هستند. این سه شخصیت، شامل ماکیاولیسم، جامعه ستیزی و خودشیفتگی است که منجر به معرفی نیمرخ شخصیتی جدیدی به نام سه گانه های تاریک شخصیت شده است. صفات تاریک شخصیت فرمول

جرائم مالی نظیر پولشویی، جعل، کلاهبرداری‌های مالی و فرار مالیاتی از جمله موضوعات مرتبط با حقوق کیفری اقتصادی هستند. مجرمان عمدتاً برای کسب سود بیشتر، این‌گونه جرائم را مرتکب می‌شوند. یکی از ویژگی‌های جرائم مالی (پولشویی) آن است که در فضای کاملاً محرمانه و خلوت اتفاق می‌افتد، به‌ندرت کشف می‌شوند و حضور فرد در صحنه جرم کاملاً قانونی و مشروع است. پولشویی یکی از جرائم مالی است و عبارت است از تبدیل یا انتقال دارایی که ناشی از عواید مجرمانه بوده و کتمان ماهیت واقعی آن. تاکنون موضوع جرائم مالی از جمله پولشویی در حوزه حقوق کیفری مالی و اقتصادی موردبررسی پژوهشگران قرار گرفته است. این موضوع یکی از خلاءهای تحقیقاتی در حوزه حسابداری و مالیه رفتاری می‌باشد. مباحث اخلاقی در حسابداری و حسابرسی طی سالیان اخیر توجه زیادی را به خود جلب کرده‌اند و پژوهش‌های گسترده‌ای در این زمینه انجام شده است (مران جوری و همکاران، ۱۴۰۰ و عیسی خانی و همکاران، ۱۳۹۹). بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه بر ارائه الگوی برای درک بهتر فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی، قضاوت اخلاقی، قصد اخلاقی و رفتار اخلاقی تمرکز داشته‌اند. رست (۱۹۷۹) فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی را شامل چهار جزء شناسایی موضوع اخلاقی، قضاوت اخلاقی، قصد اخلاقی و رفتار اخلاقی بیان می‌کند. جهت‌گیری اخلاقی عاملی مهم در تصمیم‌گیری اخلاقی است. جهت‌گیری اخلاقی شامل دو بعد آرمان‌گرایی و نسبی‌گرایی است. آرمان‌گرایی یک ویژگی اخلاقی است که فرد خود را ملزم به انجام عمل صحیح و درست می‌داند و شخص معتقد است همیشه می‌توان در تصمیمات خود از آسیب رساندن به دیگران اجتناب نمود. به‌بیان‌دیگر، افراد با آرمان‌گرایی بالا عنوان می‌کنند اعمال آن‌ها باید عواقب مثبتی برای دیگران به همراه داشته باشد. اما افراد با دیدگاه اخلاقی نسبی‌گرایی به نسبی بودن اصول اخلاقی اعتقاد دارند. به عقیده این دسته از افراد، شخص می‌تواند با اتکاء و اعتماد بر تحلیل دیدگاه‌های خود از موقعیت‌ها، از رعایت اصول اخلاقی جامعه پسند اجتناب ورزد. به‌بیان‌دیگر، افراد با جهت‌گیری اخلاقی نسبی‌گرایانه، بر این باورند که اعمال اخلاقی فرد به ماهیت شرایط و افراد درگیر در آن بستگی دارد (صادق پور و همکاران، ۱۴۰۰).

طبق متون روانشناسی، تصمیم‌گیری‌های اخلاقی افراد، به ویژگی‌های روانشناختی آن‌ها وابسته است. این مهم تا آنجاست که پژوهش‌ها در حوزه‌ی روانشناسی نشان داده‌اند که قضاوت و تصمیم‌گیری اخلاقی افراد تحت تأثیر ویژگی‌های فردی- رفتاری افراد بوده و این ویژگی‌ها بر تصمیمات مالی آن‌ها اثرگذار است. جهت‌گیری اخلاقی بر اساس تعاملات دوسویه فرد - محیط

نگویان و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی یافتند که رشوه خواری به شدت تحت تأثیر محاسبه هزینه-منفعت قرار دارد. محققین یافتند که بسیاری از مبادلات رشوه دهی تحت هنجار عمل متقابل، یعنی رشوه گیری مبتنی بر تعهد است.

آپرلیلیا و ماهارانی (۲۰۲۱) درباره صفات سه گانه پنهان و رفتار غیر اخلاقی در حسابرسان به این نتیجه رسیدند که صفات سه گانه پنهان شخصیت، اثرات متفاوتی بر رفتار اخلاقی حسابرسان دارد. همچنین نتایج نشان داد که ماکیاولیسم اثر منفی بر رفتار اخلاقی حسابرسان می گذارد.

بیانچی و میر کوویچ (۲۰۲۰) در پژوهشی نشان می دهند که ماکیاولیسم با حالات و احساسات ذهنی منفی مانند افسردگی ارتباط معنی دار و مثبت دارد. آن‌ها دریافتند که هر چه سلامت روانی افراد بیشتر باشد، تمایل به رفتارهای ماکیاولیسمی کمتر خواهد بود. همچنین آن‌ها در این پژوهش اذعان می نمایند افرادی که در آن‌ها ترکیبی از افسردگی و ماکیاولیسم وجود دارد، تمایل این افراد به رفتارهای غیر اخلاقی بالا است.

رویز پالومینو و همکاران (۲۰۱۹) نشان دادند ویژگی ماکیاولیسم با جهت گیری اخلاقی از نوع ایده آل گرایی رابطه‌ای معنی دار و منفی دارد. همچنین آن‌ها تأیید می نمایند ماکیاولیسم با نسبی گرایی اخلاقی رابطه‌ای معنی دار و منفی دارد.

هاریدستیا و فاجارنی (۲۰۱۹) پژوهشی با عنوان تأثیر استقلال، اخلاق حرفه‌ای و تجربه حسابرس بر کیفیت حسابرسی انجام دادند. هدف پژوهش تجزیه و تحلیل تأثیر استقلال، اخلاق حرفه‌ای و تجربه حسابرس بر کیفیت حسابرسی در شرکت حسابرسی دولتی جاکارتا می باشد. تحقیق آنان، یک تحقیق علی است که باهدف آزمون فرضیه مربوط به تأثیر یک یا چند متغیر (متغیر مستقل) بر دیگر متغیر (متغیر وابسته) می باشد. نتایج پژوهش نشان می دهد که استقلال، اخلاق حرفه‌ای و تجربه حسابرس بر کیفیت حسابرسی تأثیر گذارند.

بلچاک و همکاران (۲۰۱۸) دریافتند کارکنان با ویژگی ماکیاولیسم بالا رفتارهای نظیر دستکاری هیجانی بالایی دارند. همچنین در این دسته از افراد رفتارهای نامطلوب و خلاف اخلاق بالا است. آن‌ها پیشنهاد می نمایند که مدیران از طریق رهبری اخلاقی، رفتار کارکنان را کنترل و تعدیل نمایند.

حیدری و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی به تبیین دیدگاه مبادله اجتماعی در گرایش به افشای تخلف های حسابداری در سایه صفات پنهان شخصیت نظارت کنندگان مالی پرداختند. نتایج نشان داد صفات پنهان شخصیت (ماکیاولیسم، خودشیفتگی، جامعه ستیزی، دگرآزاری و کینه توزی) و مبادله اجتماعی تأثیر مثبت در افشای تخلف های مالی دارند.

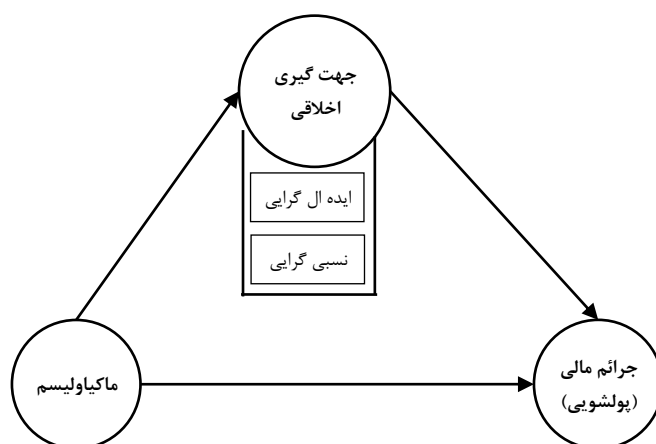
بندی جالب و پرترفداری است که به سرعت در حال رشد است و روانشناسی جیمز باند نام گرفته است. معمولاً انسان از طریق یک تئوری شناختی-اجتماعی رفتار خود را تنظیم می کند و از طریق خودنظارتی بر رفتار خود کنترل دارد و با توجه به استانداردهای اخلاقی درونی، اداره می شود که این استانداردها در مقابل رفتار خوب و رفتار بد واکنش نشان می دهند و در مقابل رفتار بد شروع به سرزنش و احساس گناه می کند. ماکیاولیسم مانند کلیدی است که این احساس را در درون انسان خاموش کرده و او را قادر به انجام رفتار غیر اخلاقی می کند. ماکیاولیسم، ریشه در اندیشه های نیکولو ماکیاولی دارد. ماکیاولیسم یک رفتار شخصی است که می توان آن را یک رفتار مجاب کننده جهت به انجام رساندن اهداف شخص دانست. افراد با سطح ماکیاولیسم بالا ممکن است رفتارهای پرخاشگرانه، سوداگر و منحرفی را به منظور کسب اهداف شخصی و سازمانی و توجه کم به رفاه افراد پیرامون خود به کار گیرند. افراد با شخصیت ماکیاولیسم توجه ای به اخلاقیات مرسوم ندارند و عموماً به عنوان افراد غیر اخلاقی معرفی می شوند. به لحاظ نظری، افراد فرصت طلب به دنبال منافع شخصی خود هستند، یعنی به دنبال دستیابی به اهداف شخصی و خودخواهانه در قالب ثروت و قدرت بوده و در این راه ممکن است به سادگی دیگران را تحت فشار قرار داده به آن‌ها آسیب وارد کنند. افرادی که درجه ماکیاولیسم در آن‌ها بالا است در مقایسه با افرادی که درجه ماکیاولیسم آن‌ها کمتر است، بیشتر تمایل به دروغ گفتن، بازیچه قرار دادن افراد، تقلب، اختلاس و پرداخت رشوه دارند (فرقان دوست حقیقی و همکاران، ۱۳۹۳). نتایج تحقیقات نشان می دهد ماکیاولیسم رابطه‌ای منفی با تمایل افراد با گزارش خطا کاری دارد. یعنی هر چه سطح ماکیاولیسم افزایش یابد، تمایل افراد با گزارش خطا کاری در سازمان کاهش می یابد. این تحقیقات بیانگر این موضوع است که ماکیاولیسم می تواند محرک رفتارهای غیر اخلاقی و فرصت طلبانه باشد. افراد با سطح بالای ماکیاولیسم، هنجارها و ارزش های اخلاقی را نادیده می گیرند و به تقلب و جرائم مالی گرایش دارند. همچنین در پژوهش دیگر نشان داده شد که ویژگی های شخصیتی افراد با گرایش افراد به انجام جرائم اقتصادی رابطه معنی دار دارد (پالومینو و کناس، ۲۰۱۰).

هاریس و همکاران (۲۰۲۲) نشان دادند ویژگی های شخصیتی پنهان مدیران تمایل آنها را به انجام رفتارهای غیر اخلاقی از جمله مدیریت سود حسابداری افزایش می دهد. بر این اساس شاید تمایل سازمان ها به استخدام افراد با ویژگی های شخصیتی پنهان، در جهت پیشبرد اهداف سازمان از طریق ملاحظاتی اخلاقی بیشتر باشد.

برای جمع‌آوری مبانی نظری، کتابخانه‌ای و برای جمع‌آوری داده‌های تحقیق، پیمایشی و ابزار تحقیق نیز پرسشنامه بود. جامعه آماری در این تحقیق شامل حساب‌برسان بوده و مقطع زمانی آن سال ۱۳۹۵ می‌باشد. در این تحقیق با طرح یک فرضیه اصلی و چهار فرضیه فرعی ارتباط میان ماکیاولیسم و عملکرد شغلی مورد تحلیل و بررسی گرفته است. تحقیق آن‌ها بیانگر آن است ماکیاولیسم با عملکرد شغلی رابطه منفی و معنی دار دارد و همچنین ماکیاولیسم بر ابعاد مختلف عملکرد شغلی، شامل بعد عملکرد وظیفه‌ای، بعد عملکرد زمینه‌ای، بعد عملکرد تطبیقی و بعد رفتار کاری معکوس تأثیر گذار است.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه ۱: ماکیاولیسم بر تمایل حسابداران به جرائم مالی (پولشویی) تأثیر دارد.
فرضیه ۲: ماکیاولیسم از طریق جهت‌گیری اخلاقی بر تمایل حسابداران به جرائم مالی (پولشویی) تأثیر دارد.
فرضیه فرعی ۱-۲: ماکیاولیسم از طریق ایده ال‌گرایی بر تمایل حسابداران به جرائم مالی (پولشویی) تأثیر دارد.
فرضیه فرعی ۲-۲: ماکیاولیسم از طریق نسبی‌گرایی بر تمایل حسابداران به جرائم مالی (پولشویی) تأثیر دارد.
بر اساس مبانی و ادبیات پژوهش مدل مفهومی پژوهش بصورت شکل (۱) طراحی شد:



شکل (۱) مدل مفهومی پژوهش

حقی (۱۴۰۰) در پژوهشی با بررسی عوامل زیرساختی مدیریت چالش‌های مبارزه با پولشویی در نظام بانکی ایران، اظهار داشتند؛ ضرورت ایجاد شرایط پایدار و شفاف اقتصادی باعث شده است که مبارزه با پولشویی به‌عنوان یک خط‌مشی جهان‌شمول توسط همه کشورها در دستور کار مجالس و دولت‌ها قرار گیرد. بر اساس تجارب سایر کشورها به‌کارگیری عوامل رویکرد زیرساختی شامل تمام ابعاد مؤثر در سازوکارهای بین‌المللی مبارزه با پولشویی، نظیر شاخص کمیته بال و توصیه‌های گروه ویژه اقدام مالی موجب ارتقای جایگاه پولی و بانکی ایران در سطح بین‌الملل و محدودسازی پولشویی می‌شود. آنان در پژوهشی به‌منظور شناسایی چالش‌های این حوزه و دستیابی به الگویی که دربرگیرنده مجموعه‌ای از عوامل زیرساختی در مبارزه با پولشویی باشد از دو بخش کمی و کیفی استفاده کردند. در بخش کیفی از معیارهای بر خواسته از نظر خبرگان به روش مصاحبه حضوری و کدگذاری چندمرحله‌ای، تحلیل محتوایی و روش دلفی فازی و در بخش کمی از پرسشنامه و تکنیک تحلیل عاملی و در برازش الگو از شاخص RMSEA استفاده شده است. یافته‌های پژوهشی آنان حاکی از این است که به‌کارگیری نظام‌مند الگوی زیرساختی بر مبنای رهنمودهای بین‌المللی شامل ابعاد کارکردی، زمینهای و ساختاری موجب بهبود کارایی سیستم مبارزه با پولشویی و مدیریت بهینه چالش‌های مبارزه با پولشویی در بانک‌ها می‌گردد.

انصاری و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی رابطه میان ماکیاولیسم و عملکرد شغلی حساب‌برسان پرداختند. روش تحقیق

روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش از دیدگاه هدف، پژوهشی توصیفی محسوب می‌شود چرا که هدف آن توصیف عینی و واقعی چگونگی رفتارهای ماکیاولی حسابداران است. از دید نتایج پژوهش، در دامنه پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد؛ زیرا ویژگی بارز پژوهش‌های کاربردی تلاش برای یافتن پاسخ برای حل یک معضل و مشکل عملی است که در دنیای واقعی وجود دارد. از نظر فرایند اجرای پژوهش، یک پژوهش کمی بشمار می‌رود؛ زیرا قبل از جمع‌آوری داده‌های پژوهش، ماهیت متغیرها و داده‌ها مشخص است و هدف از انجام پژوهش، اندازه‌گیری متغیر مورد نظر یا رابطه علی دو یا چند متغیر است و به گردآوری، تحلیل و تفسیر داده‌ها بر اساس مشاهده آنچه که در جامعه رخ می‌دهد، می‌پردازد. از دیدگاه منطق اجرا و زمان انجام پژوهش به ترتیب پژوهش استقرایی و مقطعی شمرده می‌شود؛ چرا که بر اساس یافته‌های حاصل از مشاهدات و استدلال از جزء به کل، درصدد ارائه الگو و نظریه است و برای توصیف رفتار و نگرش‌های افراد در یک جامعه در مقطعی مشخص از زمان انجام می‌شود.

از نظر روش؛ همبستگی مبتنی بر معادلات ساختاری می‌باشد. در تحقیق همبستگی رابطه‌ی بین متغیرها بر اساس هدف تحقیق تحلیل می‌گردد. در مدل یابی معادله ساختاری، داده‌ها به صورت ماتریس‌های کواریانس یا همبستگی درآمده و یک مجموعه معادلات رگرسیون بین متغیرها تدوین می‌شود. چنانچه در مدل برای هر متغیر از بیش از یک نشانگر استفاده شود، مدل شامل مؤلفه اندازه‌گیری نیز می‌شود. مدل یابی معادله ساختاری یک رویکرد جامع برای آزمون فرضیه‌هایی درباره روابط متغیرهای مشاهده‌شده و مکنون است که گاه تحلیل ساختاری کواریانس، مدل یابی علی نامیده شده است. اما اصطلاح غالب در این روزها، مدل یابی معادله ساختاری است. می‌توان گفت تکنیک مدل‌سازی معادلات ساختاری یکی از روش‌های اصلی و جدید برای حل مدل‌های پیچیده با روابط علت و معلولی در علوم اجتماعی است که به پژوهشگر امکان می‌دهد تأثیرات همزمان متغیرها را بر یکدیگر با تأکید بر نقش خطاهای اندازه‌گیری نشان دهد. متغیرهای مکنون بیانگر یک سری سازه‌های تئوریک هستند مانند مفاهیم انتزاعی که مستقیماً قابل مشاهده نیستند و به طور غیرمستقیم و به واسطه متغیرهای آشکار از طریق ابزارهای مختلف گردآوری داده‌ها از جمله پرسشنامه، مصاحبه‌ها یا مشاهدات جمع‌آوری می‌شود. متغیرهای مکنون خود به دو نوع؛ متغیرهای درونزا و برونزا تقسیم می‌شوند. متغیرهای مکنون برونزا متغیرهای مکنونی هستند که علت تغییرات آن‌ها خارج از مدل است و بر متغیرهای دیگر تأثیر می‌گذارند. متغیرهای برونزا متغیرهایی هستند که از سایر متغیرهای مدل تأثیر می‌پذیرند.

مدل ساختاری به بررسی رابطه میان متغیرهای مکنون (برونزا و درونزا) می‌پردازد. برای بررسی برازش داده‌ها با متغیرهای مکنون از مدل اندازه‌گیری استفاده شد. به منظور بررسی برازندگی مدل معادلات ساختاری، انواع گوناگونی آزمون برازندگی ایجاد گردیده که همواره در حال تکامل‌اند، اما هنوز درباره حتی یک آزمون بهینه نیز توافق همگانی وجود ندارد. نتیجه آن است که مقالات مختلف، شاخص‌های مختلفی را ارائه کرده‌اند.

برای تدوین متون و ادبیات پژوهش از مطالعات کتابخانه‌ای استفاده می‌شود. در بخش میدانی، از ابزار پرسشنامه برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده می‌گردد. بخش اول پرسشنامه شامل سؤالات پیشینه (آماری) می‌باشد که به عنوان متغیرهای زمینه‌ای پژوهش در نظر گرفته می‌شود. باقیمانده پرسشنامه شامل سؤال از حسابداران درباره رفتار ماکیاولیسمی، جرایم مالی (پولشویی) و همچنین جهت‌گیری اخلاقی که از پرسشنامه‌های کریستی و جیس (۱۹۷۰) و فورسیت و اسلنکر (۱۹۷۷) استفاده گردید. آزمون شوندگان به هر سؤال در طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵) پاسخ می‌دهند.

جامعه آماری تحقیق حاضر، رئیس حسابداری، مدیران مالی و معاونین مالی شاغل در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار می‌باشد. قلمرو زمانی پژوهش نیز سال ۱۴۰۰ است. با توجه به اینکه امکان کسب نظرات تمام جامعه آماری وجود ندارد و برخی از اعضای جامعه آماری نیز اصولاً ممکن است تمایلی به مشارکت در آزمون از خود نشان ندهند، تحقیق با استفاده از نمونه‌گیری انجام می‌شود. به دلیل این که جامعه مورد نظر بسیار پر مشغله هستند و به تکمیل پرسشنامه تمایل چندانی ندارند، لذا با در نظر گرفتن درصدی برای عدم پاسخ برای دست‌یابی به تعداد نمونه آماری، تعداد پرسشنامه بیشتری توزیع گردید. در نهایت با جمع‌آوری پرسشنامه‌ها تعداد نمونه نهایی طبق جدول مورگان پژوهش حاضر ۳۰۶ نفر می‌باشد. ویژگی‌های جمعیت شناختی گروه نمونه در جدول ۱ ارائه شده است. به منظور تأمین روایی (اعتبار محتوایی) ابزار پرسشنامه، با توزیع آزمایشی تعدادی از پرسشنامه بصورت محدود بین خبرگان و اساتید فن، برخی نواقص و اشکال‌های آن شناسایی و مورد بازبینی و تعدیل قرار گرفت. بنابراین، پرسش‌نامه از اعتبار محتوایی برخوردار است. پایایی ابزار اندازه‌گیری یعنی اینکه ابزار اندازه‌گیری انتخاب شده، در صورت تکرار اندازه‌گیری متغیرها در شرایط یکسان، تا چه حد نتایج مشابهی را ارائه می‌کند. ضریب آلفای کرونباخ، یکی از متداول‌ترین روش‌های اندازه‌گیری اعتمادپذیری و پایایی پرسشنامه‌هاست. ضریب آلفای کرونباخ برای پرسشنامه‌های حاضر در جدول ۲ نشان می‌دهد سؤالات از پایایی قابل قبولی برخوردار است.

جدول (۱) ویژگیهای جمعیت شناختی نمونه

متغیرها	شرح	فراوانی	درصد
جنسیت	زن	۷۱	۲۳/۲۱
	مرد	۲۳۵	۷۶/۷۹
تجربه حرفه‌ای	۱۰ و کمتر از ۱۰ سال	۱۵	۴/۹
	۱۱ تا ۱۵ سال	۱۰۷	۳۴/۹۶
	۱۶ تا ۲۰ سال	۹۱	۲۹/۷۳
	۲۱ به بالا	۹۳	۳۰/۳۹
موقعیت شغلی	رئیس حسابداری	۱۳۳	۴۳/۴۶
	مدیر مالی	۹۷	۳۱/۷۰
	معاون مالی	۷۶	۲۴/۸۴
سن	زیر ۳۰ سال	۴۱	۱۳/۴۰
	بین ۳۱ تا ۴۰ سال	۸۳	۲۷/۱۲
	بین ۴۱ تا ۵۰ سال	۱۰۵	۳۴/۳۱
	بالای ۵۰ سال	۷۷	۲۵/۱۷

جدول (۲) ضریب آلفای کرونباخ

ابعاد اصلی	آلفای کرونباخ	ابعاد فرعی	آلفای کرونباخ
ماکیاولیسم	۰/۹۲	-	-
جرائم مالی (پولشویی)	۰/۹۱	-	-
جهت‌گیری اخلاقی	۰/۹۴	ایده آل‌گرایی	۰/۸۹
		نسبی‌گرایی	۰/۸۴

اعتبار مدل در جدول ۳ ارائه شده است.
 $GOF = \sqrt{\text{average (Comunalities)} * R^2}$

جدول (۳) بررسی شاخص برازش GOF

متغیر	Communality	R ²
جهت‌گیری اخلاقی	۰.۴۹۷	۰.۶۲۰
ماکیاولیسم	۰.۵۸۵	
جرائم مالی (پولشویی)	۰.۴۴۵	۰.۷۸۹
میانگین	۰.۵۰۹	۰.۷۰۴

با توجه به سه مقدار ۰.۰۱؛ ۰.۲۵ و ۰.۳۶ به‌عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF، حاصل شدن مقدار ۰.۵۹۸ برای GOF نشان از برازش کلی قوی مدل در پژوهش حاضر دارد. برای بررسی میزان معنادار بودن ضریب مسیر لازم است تا مقدار t هر مسیر نشان داده شود. نتایج بررسی مدل کلی در شکل ۲ ارائه شده است.

یافته های تحقیق

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، ابتدا مدل کلی تحقیق برازش شد و سپس فرضیه‌های تحقیق مورد آزمون قرار گرفت. در مدل سازی معادلات ساختاری به کمک روش PLS، برای برازش کل مدل، از شاخص GOF استفاده می‌شود. به باور تنن هاوس و همکاران (۲۰۰۵) شاخص GOF یا شاخص نیکویی برازش در مدل PLS راه حلی عملی برای بررسی برازش کلی مدل بوده و همانند شاخص های برازش در روشهای مبتنی بر کوواریانس عمل می‌کند و از آن می‌توان برای بررسی اعتبار یا کیفیت مدل PLS به‌صورت کلی استفاده کرد. این شاخص نیز همانند شاخص های برازش مدل لیزرل عمل می‌کند و بین صفر تا یک قرار دارد و سه مقدار ۰.۰۱، ۰.۲۵ و ۰.۳۶ به ترتیب به‌عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF معرفی شده است. همچنین مقادیر نزدیک به یک نشانگر کیفیت مناسب مدل هستند. ملاک کلی برازش (GOF) را می‌توان با محاسبه میانگین هندسی میانگین اشتراک و R² به دست آورد. نتایج بررسی

$$VAF = \frac{0.296 \times 0.237}{(0.296 \times 0.237) + 0.318} = 0.181$$

این بدان معناست که ۱۸ درصد از اثر کل ماکیاولیسم بر تمایل حسابداران به جرائم مالی (پولشویی) از طریق غیر مستقیم توسط نسبی گرای تبیین می‌شود.

جدول (۴) خلاصه ضرایب مسیر و آماره آزمون فرضیه های اصلی و فرعی

فرضیه ها	مسیر	ضریب مسیر	آماره	نتیجه
فرضیه اول	ماکیاولیسم ← جرائم مالی	۰/۳۲	۴/۸۳۲	تایید
فرضیه دوم	ماکیاولیسم ← جهت گیری اخلاقی ← جرائم	۰/۲۱۰	۱/۹۹۱	تایید
فرضیه فرعی اول	ماکیاولیسم ← ایده آل گرای ← جرائم	-	۰/۶۵۰	رد
فرضیه فرعی دوم	ماکیاولیسم ← نسبی گرای ← جرائم	۰/۱۸۱	۲/۵۵۳	تایید

نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی تاثیر ماکیاولیسم بر جرائم مالی با نقش میانجی جهت گیری اخلاقی حسابداران است. اخلاق حرفه‌ای حاوی نظام ارزشی و باورهای جمعی صاحبان یک حرفه است که بر چگونگی رفتار، اعمال و مسئولیت‌های اعضای آن حرفه در مقابل جامعه، در مقابل یکدیگر و در مقابل اشخاصی که از خدمات شاغلین آن حرفه استفاده می‌کنند، نظارت دارد. جرائم مالی که از طریق تحریف یا حذف عمدی مبالغ یا موارد افشا از صورت‌های مالی رخ می‌دهد و به‌منظور فریب استفاده کنندگان از صورت‌های مالی را از دید ذینفعان کاهش داده و منجر به نزول جایگاه حرفه حسابداری می‌شود. جرائم مالی متأثر از عوامل رفتاری و غیررفتاری است. یکی از عوامل رفتاری، ویژگی شخصیتی ماکیاولیسم است. در علم روانشناسی، ماکیاولیسم را یکی از ویژگی‌های تاریک شخصیت می‌نامند که می‌تواند درست‌کاری و پرهیزکاری افراد را تحت تأثیر قرار دهد. این ویژگی با رفتارهای منفی همچون فریب‌کاری، حيله‌گری، عوام‌فریبی، ریاکاری و عدم پایبندی به اخلاق، برای دستیابی به هدف خاص همراه است. افرادی که تمایل به رفتار ماکیاولی بالایی دارند برای رسیدن به منافع شخصی از هنجارهای اخلاقی چشم‌پوشی می‌کنند. نتایج بیشتر تحقیقات نشان می‌دهد که فعالیت‌های موسسه‌های حسابداری و حسابرسی در بیشتر موارد

حسابداران به جرائم مالی (پولشویی) بطور غیرمستقیم و از طریق متغیر میانجی جهت گیری اخلاقی تأثیر دارد.

"تعیین شدت اثر غیر مستقیم از طریق متغیر میانجی":

c: مقدار ضریب مسیر میان متغیر مستقل و وابسته = ۰.۳۲۰

$$VAF = \frac{0.178 \times 0.479}{(0.178 \times 0.479) + 0.320} = 0.210$$

این بدان معناست که ۲۱ درصد از اثر کل ماکیاولیسم بر تمایل حسابداران به جرائم مالی (پولشویی) از طریق غیر مستقیم توسط جهت گیری اخلاقی تبیین می‌شود.

فرضیه فرعی اول: ماکیاولیسم از طریق ایده آل گرای بر تمایل حسابداران به جرائم مالی (پولشویی) تأثیر دارد.

a: ضریب مسیر میان متغیر مستقل و میانجی = ۰.۶۴

b: ضریب مسیر میان متغیر میانجی و وابسته = ۰.۲۷۲

S_a: خطای استاندارد مسیر متغیر مستقل و میانجی = ۰.۰۹۶

S_b: خطای استاندارد مسیر متغیر میانجی و وابسته = ۰.۰۵۲

$$z - value = \frac{0.064 \times 0.272}{\sqrt{(0.272^2 \times 0.096^2) + (0.064^2 \times 0.052^2) + (0.096^2 \times 0.052^2)}} = 0.650$$

با توجه به اینکه مقدار z-value محاسبه شده (۰/۶۵۰) کوچکتر از ۱/۹۶ به دست آمده است در نتیجه فرضیه فرعی اول تحقیق رد می‌گردد.

فرضیه فرعی دوم: ماکیاولیسم از طریق نسبی گرای بر تمایل حسابداران به جرائم مالی (پولشویی) تأثیر دارد.

a: ضریب مسیر میان متغیر مستقل و میانجی = ۰.۲۹۶

b: ضریب مسیر میان متغیر میانجی و وابسته = ۰.۲۳۷

S_a: خطای استاندارد مسیر متغیر مستقل و میانجی = ۰.۰۹۰

S_b: خطای استاندارد مسیر متغیر میانجی و وابسته = ۰.۰۵۶

با توجه به اینکه مقدار z-value محاسبه شده (۲/۵۵۳) بزرگتر از ۱/۹۶ به دست آمده است در نتیجه ماکیاولیسم بر تمایل حسابداران به جرائم مالی (پولشویی) بطور غیرمستقیم و از طریق متغیر میانجی نسبی گرای تأثیر دارد.

"تعیین شدت اثر غیر مستقیم از طریق متغیر میانجی":

c: مقدار ضریب مسیر میان متغیر مستقل و وابسته = ۰.۳۱۸

برای استفاده کنندگان منجر شود. برای پژوهش های آتی می توان تحقیق در مورد سایر خصوصیات شخصیتی افراد (خودشیفتگی، جامعه ستیزی و سادیسیم) و ارتباط آن با تصمیم گیری فرصت طلبانه در حسابداری و وقوع جرائم مالی و راه های پیشگیری و کنترل این رفتارها را پیشنهاد نمود.

فهرست منابع

- * انصاری، مهدیه، بنی مهد، بهمن، حسینی، حسین (۱۳۹۸)، رابطه میان ماکیاولیسم و عملکرد شغلی حسابرسان، فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۱۰(۳۷).
- * بیگی هرچگانی، ابراهیم؛ بنی مهد، بهمن؛ رئیس زاده، سید محمدرضا و رویایی، رضاعلی. (۱۳۹۵). بررسی تاثیر ویژگی رفتاری فرصت طلبی بر هشدار دهی حسابرسان. دوفصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، ۲(۱۰)، ۶۵-۹۵
- * صادق پور، حسن، بنی مهد، بهمن، مرادزاده، مهدی، همتی، بهرام (۱۴۰۰)، نقش ماکیاولیسم، دستکاری هیجانی و تسلط اجتماعی در بیش نمایی سود: آزمون نظریه سلسله مراتب ارشد، فصلنامه بورس و اوراق بهادار، ۱۴(۵۶)، صص ۱۰-۲۰.
- * صادقیان، مسعود، بنی مهد، بهمن، جهانگیرنیا، حسین، غلامی جمکرانی، رضا (۱۳۹۸) ماکیاولیسم، جهت گیری اخلاقی و گزارشگری مالی متقلبان، بررسی های حسابداری و حسابرسی، ۲۶(۳)، ۴۱۳-۴۳۴.
- * خسروآبادی، طاهره و بنی مهد، بهمن. (۱۳۹۴)، پیش بینی بی اخلاقی و فساد مالی با توجه به اعتماد اجتماعی در حرفه حسابرسی. اخلاق در علوم و فناوری، ۱۰(۴)، ۴۵-۵۳.
- * حقی، حسین علی (۱۴۰۰)، عوامل زیر ساختی مدیریت چالش های مبارزه با پولشویی در نظام بانکی ایران و بر آورد الگوی مبتنی بر رهنمود های بین المللی، پژوهش های اقتصادی ایران، ۲۶(۸۹)، صص ۱۹۷-۲۳۶.
- * حیدری، قنبر، نیکو مرام، هاشم، بنی مهد، بهمن، وکیلی فرد، حمیدرضا (۱۴۰۱) تبیین دیدگاه مبادله اجتماعی در گرایش به افشای تخلف های حسابداری در سایه صفات پنهان شخصیت نظارت کنندگان مالی، مجله پیشرفت های حسابداری، ۱۴(۱)، صص ۱-۳۶.
- * عیسی خانی خانسری، کروش و همکاران (۱۳۹۹)، تاثیر ماکیاولیسم و هوش هیجانی بر جهت گیری اخلاقی دانشجویان حسابداری دوره تحصیلات تکمیلی: آزمون نظریه ذهن، فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۱۱(۳)، صص ۱-۱۱.

به جای پشتیبانی از منافع عمومی به پشتیبانی از منافع اعضای آن موسسه ها سوق پیدا کرده و به طور کلی گرایش حسابرسان به اندیشه های سوداگرانه و سودجویانه بیشتر شده است.

نتایج فرضیه اول این تحقیق نشان می دهد که ماکیاولیسم بر تمایل حسابداران به جرائم مالی (پولشویی) تأثیر دارد. یافته های این فرضیه را می توان با توجه به نظریه شخصیت تاریک بحث نمود. نظریه شخصیت تاریک ارتباط مستقیمی با رفتارهای غیر اخلاقی دارد. ماکیاولی گرای که یکی از ویژگی های نظریه شخصیت تاریک است، در بسیاری از جهات به عنوان تهدیدی برای رفتار اخلاقی قرار می گیرد. افراد با ویژگی ماکیاولی بالا ارزش زیادی برای رفتار اخلاقی قائل نمی باشند. نتایج مطالعات گذشته نشان داده است که ویژگی شخصیتی ماکیاولیسم ارتباط با اهمیتی با جرائم مالی (پولشویی) دارد. این مطالعات دریافته اند که افراد با ویژگی ماکیاولی بالا تمایل به سمت و سوی ناهنجاری اقتصادی به نام پولشویی دارند. همچنین هر چه سطح ماکیاولیسم در حسابداران افزایش یابد، در آن صورت تمایل آن ها به گزارشگری مالی متقلبان، افزایش خواهد یافت. نتایج حاصله مطابق با یافته های پژوهش بلچاک و همکاران، (۲۰۱۸)؛ ایگان و همکاران، (۲۰۱۵)؛ شفر و وانگ، (۲۰۱۸) است.

نتایج فرضیه دوم این پژوهش نشان می دهد که ماکیاولیسم در حسابداران از طریق جهت گیری اخلاقی بر تمایل به جرائم مالی (پولشویی) تأثیر دارد. مبانی نظری نشان می دهد که ایده آل گرای به رفتار اخلاقی و نسبی گرای به رفتار غیر اخلاقی منجر می شود. شواهد حاکی از آن است که ماکیاولیسم با رفتار غیر اخلاقی همراه است و ایده آل گرای ارتباط بیشتری با تصمیم گیری اخلاقی و نسبی گرای ارتباط کمتری با آن دارد. ویتل و همکاران (۱۹۹۱) دریافتند که افراد دارای ویژگی ماکیاولیسم بیشتر ایده آل گرا هستند و نسبی گرای کمتری دارند. یافته های ویکفیلد (۲۰۰۸) در میان حسابداران ایالات متحده نشان می دهد که بین ماکیاولیسم و ایده آل گرای رابطه منفی و بین نسبی گرای و ماکیاولیسم رابطه مستقیم وجود دارد. نتایج حاصله مطابق با یافته های پژوهش بیانچی و میرکوویچ (۲۰۲۰) رویزپالومینو و همکاران، (۲۰۱۹) و عیسی خانی و همکاران، (۱۳۹۹) است.

با توجه به نتایج پژوهش، توجه بیش از پیش بر لزوم تدوین و اجرای کنترل های حرفه ای توسط نهادهای نظارتی و مراجع سیاست گذار ضروری به نظر می رسد. با توجه به نقش مهم صفات شخصیتی، مانند ماکیاولیسم و ویژگی های اخلاقی، توجه به آموزش های اخلاقی کارکنان و به کارگیری افراد با صلاحیت در مناصب مدیریتی، ضمن در نظر گرفتن ویژگی های شخصیتی و اخلاقی آنان، می تواند به کاهش تدوین اطلاعات گمراه کننده

- * فرقاندوست حقیقی، کامبیز، بنی مهد، بهمن (۱۳۹۳)، بررسی تطبیقی ماکیاولیسم میان حسابداران- حسابرسان- پژوهشگران و مهندسان، پژوهشهای حسابداری مالی و حسابرسی، ۶(۲۳)، صص ۴۱-۵۳.
- * مران جویری، مهدی، خلخالی، مرضیه، علی خانی، رضیه، تقی پوریان، یوسف (۱۴۰۰)، تاثیر ماکیاولیسم بر نگرش حسابرسان نسبت به فعالیت های بازاریابی با نقش میانجی جهت گیری اخلاقی، پژوهش های کاربردی در گزارشگری مالی، ۱۰(۱۹)، صص، ۳۵-۶۰.
- * مشهدیه قره قیه، هادی، بنی مهد، بهمن، فرقاندوست حقیقی، کامبیز و مرداد زاده فرد، مهدی، (۱۳۹۸)، ماکیاولیسم، پول پرستی، فرهنگ مشتری مداری و خرید اظهارنظر حسابرسی از سوی صاحبکار، فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۸(۲۹)، صص ۱۶۱-۱۷۳.
- * Aprillia, W., & Maharani, S. N. (2021). The Dark triad and ethical behavior. *Advances in Economics, Business and Management Research*, 173(2), 308-320.
- * Bianchi, R., Mirkovic, D., (2020) Is Machiavellianism associated with depression? A cluster-analytic study *Personality and Individual Differences*, Vol 152(1): 1-5.
- * Belschak, F. D., Den Hartog, D. N., & de Hoogh, A. H. B. (2018). Angels and demons: The effect of ethical leadership on Machiavellian employees' work behaviors. *Frontiers in Psychology*, Vol.9: 1-13.
- * Haeridistia, N. and Fadjarenie, A. (2019). The Effect of Independence, Professional Ethics & Auditor Experience on Audit Quality. *International Journal of Scientific & Technology Research*, 8(02), pp. 24-27.
- * Harris, L. L., Jackson, S. B., Owens, J., & Seybert, N. (2022). Recruiting dark personalities for earnings management. *Journal of Business Ethics*, 178(1), 193-218.
- * Herda, D. N., & Lavelle, J. J. (2022). How and why auditors' social exchange relationships influence their attitudes and behaviors: Implications for audit quality. *Business Horizons*, 65(3), 245-249.
- * Palomino P. and Canas, R. (2010) Machiavellians, Unethical Workmates and Intention to Stay: An Empirical Exploration. *International Journal of Management and Information System*, pp.59-65.
- * Ruiz-Palomino, P., Bañón-Gomis, A., Linuesa-Langreo, J., (2019) Impacts of peers' unethical behavior on employees' ethical intention: Moderated mediation by Machiavellian orientation, *Business Ethics: A European Review*, 28(2): 185-205.
- * Shafer, W. E., & Wang, Z., (2018) Machiavellianism, social norms, and taxpayer compliance, *Business Ethics: A European Review*, 27, 42-55



Accounting Knowledge & Management Auditing
Vol. 13/ No. 51/ Autumn 2024

The Effect of Machiavellianism on Financial Crime with the Mediating Role of Ethical Orientation Accountants

Hadi Movarekh

Ph.D. Student of Accounting, chalous Branch, Islamic Azad University, chalous, Iran
Hadi.Movarekh@yahoo.com

Mehdi Maranjory

Department of Accounting, chalous Branch, Islamic Azad University, chalous, Iran
(Corresponding author)
Mr. Maranjory@gmail.com

Razieh Alikhani

Department of Accounting, chalous Branch, Islamic Azad University, chalous, Iran
Alikhani_r2@yahoo.com

Mohammad Reza Pourali

Department of Accounting, chalous Branch, Islamic Azad University, chalous, Iran
pourali@iauc.ac.ir

Abstract

This study was conducted to investigate the effect of Machiavellianism on Financial Crime with the mediating role of ethical orientations. In the present study, in order to have equal chances for all members of the sample, a simple random sampling method was used using the Georgian and Morgan table and 306 people were selected as the statistical sample. Data were collected by questionnaires and analyzed using structural equation modeling. The results showed that Machiavellianism has a positive and significant effect on Financial Crime. Machiavellianism through ethical orientation has a positive and significant effect on Financial Crime. Also, Machiavellianism through relativism has a positive and significant effect on Financial Crime.

Keywords: Machiavellianism, Financial Crime, Ethical Orientation.

